

بررسی میزان تمایل به مهاجرت جوانان از استان خوزستان: مسائل متعاقب و عوامل زمینه‌ساز

داود شهپری ثانی^۱، محمد میرزایی^۲، حسین محمودیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۳

چکیده

مهاجرت، به‌عنوان یکی از عوامل اصلی پویایی جمعیت، سبب تحولات جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی مهمی در مبدأ و مقصد می‌شود. استان خوزستان از نظر جابه‌جایی جمعیت در نیم‌قرن اخیر، با تغییرات زیادی روبرو بوده است؛ به‌طوری‌که بعد از استان تهران، بیشترین درصد مهاجران خارج‌شده را داشته است. این مطالعه به‌منظور شناخت تمایل به مهاجرت جوانان و عوامل مؤثر بر آن در استان خوزستان و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی اجرا شده است. چارچوب نظری تحقیق با استفاده از نظریات جذب و دفع، نظریه سرمایه انسانی و نظریه محرومیت نسبی تدوین شده و مدل تجربی تحقیق با استفاده از آنها و تحقیقات تجربی پیشین پیشنهاد گردیده است. با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۵ شهرستان انتخاب‌شده و تعداد ۳۸۵ نفر از جوانان ساکن در استان به روش نمونه‌گیری تصادفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اطلاعات موردنیاز با استفاده از پرسش‌نامه به‌دست‌آمده و تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS صورت گرفته است. نتایج نشان داد بالای ۷۷ درصد جوانان، در صورت فراهم بودن شرایط و امکانات، تمایل دارند به مکانی غیر از استان خوزستان مهاجرت نمایند. نگرش به دافعه مبدأ، نگرش به جاذبه مقصد، محرومیت نسبی و تحصیلات بر تمایل به مهاجرت جوانان استان خوزستان تأثیرگذار هستند. بیشترین درصد تغییرات تمایل به مهاجرت جوانان ناشی از عوامل دافعه منطقه مبدأ است که نشان‌دهنده اهمیت و مهم بودن عوامل دافعه در استان خوزستان نسبت به عوامل جاذبه سایر مناطق و احساس محرومیت نسبی در نزد جوانان استان خوزستان است.

واژگان کلیدی: تمایل به مهاجرت، دافعه مبدأ، جاذبه مقصد، محرومیت نسبی، استان خوزستان

۱. کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

۲. استاد گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

۳. دانشیار گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ پست الکترونیکی: hmahmoud@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

امروزه یکی از مهم‌ترین موضوعات اجتماعی، که اثرات فراوانی بر جوامع دارد، پدیده مهاجرت است که نه تنها حجم و رشد جمعیت یک جامعه را تغییر می‌دهد، بلکه تغییرات قابل‌ملاحظه‌ای در ساخت و توزیع جمعیت ایجاد می‌کند (کلیگت^۱، ۲۰۰۰). مهاجرت یکی از عوامل اصلی تغییر و تحول جمعیت است که به دلیل ماهیت خود می‌تواند علاوه بر تغییرات درازمدت و طولانی، آثار سریع و کوتاه‌مدتی را نیز در تعداد و ساختار جمعیت ایجاد کند و تعادل و عدم تعادل‌هایی را در جمعیت تحت‌تأثیر خود به وجود آورد. این پدیده با حرکت مردم از یک منطقه جغرافیایی به منطقه‌ای دیگر شناخته می‌شود که ممکن است به صورت دائمی و یا موقت باشد (ادواله^۲، ۲۰۰۵). نه تنها حجم و چگونگی مهاجرت‌ها از کشوری به کشور دیگر از اهمیت زیادی برخوردار است، بلکه حرکات و جابه‌جایی جمعیت داخل یک کشور نیز می‌تواند دست‌کم در برخی از دوره‌های زمانی، موجب عمران و آبادانی و/یا رکود و عقب‌ماندگی شود (زنجانی، ۱۳۷۱: ۱۷۷).

پدیده مهاجرت هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در کشورهای در حال توسعه، رخ می‌دهد؛ اما نوع و ماهیت این مهاجرت‌ها در این دو گروه از کشورها متفاوت است (اسکلدون^۳، ۲۰۱۰). مهاجرت در کشورهای صنعتی، مهار شده و دیگر به عنوان یک مشکل مطرح نیست، اما در کشورهای در حال توسعه، به عنوان یک مسئله اجتماعی مطرح است و پیامدهای متفاوتی دارد که می‌تواند نتایج مثبت از جمله، تعادل در موازنه توزیع جمعیت، کاهش نابرابری منطقه‌ای و گسترش ایده‌ها و نتایج منفی از جمله، تراکم جمعیت، فرار مغزها و کاهش توان اقتصادی مناطق مهاجرفرست را به دنبال داشته باشد (دجونگ و گاردنر^۴، ۲۰۱۳). مهاجرت علاوه بر تأثیرات کمی در رشد جمعیت، اثرات قابل توجهی در کیفیت جمعیت مناطق مبدأ و مقصد دارد؛ زیرا با مهاجرت نیروی انسانی (جوانان واقع در سن کار و فعالیت) بر توسعه‌نیافتگی مناطق مهاجرفرست افزوده می‌شود و ازسویی، نیروی فعال و پرتحرک در اختیار مناطق مهاجرپذیر قرار می‌دهد و بدین ترتیب، شکاف بین مناطق توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته را بیشتر می‌گرداند. در ایران نیز در چند دهه اخیر، با پایین آمدن باروری به زیر سطح جانشینی و با در نظر گرفتن سایر عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اثرگذاری مهاجرت‌های داخلی در تغییرات جمعیتی ایران در سطوح جغرافیایی و مرزبندی‌های سیاسی اهمیت بیشتری یافته است. می‌توان عنوان کرد که در شرایط کنونی جامعه ایران، مهاجرت‌های داخلی از تعیین‌کننده‌های مهم میزان رشد جمعیت ایران در مقیاس تقسیم‌بندی‌های استانی و واحدهای کوچک‌تر از آن است (محمودیان و قاسمی‌اردهایی، ۱۳۹۲: ۴).

1. Cliggett
2. Adewale
3. Skeldon
4. De Jong and Gardner

تمایل و رفتار مهاجرتی افراد در طول چرخه زندگی متفاوت است؛ بیشتر مهاجرت‌ها و جابه‌جایی‌های جمعیتی در سنین جوانی (۲۹-۱۵) اتفاق می‌افتد. در دو دهه اخیر، علاوه بر مهاجرت روستا-شهری جوانان، با توجه به کمبود فرصت‌های شغلی و درآمدی در اکثر استان‌های کشور، جوانان بر جریان مهاجرت‌های بین استانی نیز تسلط داشته و اغلب برای پیدا کردن کار و شغل از استان‌های کمتر توسعه‌یافته به سمت استان‌های توسعه‌یافته کشور مهاجرت می‌کنند به‌طوری‌که سهم جوانان در جریانات مهاجرتی در کشور بین ۴۶ تا ۵۰ درصد بوده است (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۹۲). جوانان از سرمایه‌های مهم هر جامعه محسوب می‌شوند و موتور محرک و قوای اصلی نیروی انسانی فعال را تشکیل می‌دهند. سرمایه‌گذاری‌های خرد و کلان بیشتر روی این قشر از جامعه انجام می‌شود و رسیدن به توسعه پایدار، با اتکا به این قشر امکان‌پذیر است. انسان‌های فعال و مجرب می‌توانند از انباشت سرمایه و منابع طبیعی بهره‌برداری کنند و سازمان‌های مختلف اجتماعی را به‌وجود آورده و راه توسعه پایدار را هموار کنند (تودارو^۱، ۱۳۶۶: ۷۴۳). چالش مهم مهاجرت جوانان محروم شدن مناطق کمتر توسعه‌یافته در برخورداری از نیروی انسانی باکیفیت و مجرب است که موجب عمیق‌تر شدن شکاف توسعه بین مناطق مختلف می‌گردد. استان خوزستان به‌دلیل موقعیت ویژه راهبردی (دسترسی و هم‌جواری با کشورهای ثروتمند حاشیه خلیج فارس، بهره‌مندی از صنایع متعدد و بزرگ پتروشیمی، برخورداری از پالایشگاه‌های بزرگ، وجود بنادر مهم صادراتی و وارداتی و دسترسی به آب‌های آزاد، قابلیت گردشگری در اغلب زمینه‌ها و...) منطقه‌ای استراتژیک و پراهمیت از جنبه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی در کشور و منطقه است؛ اما با وجود بهره‌مندی‌های طبیعی، مشکلات و موانع پیشرفت آن نیز فراوان هستند. همین مشکلات که در اغلب مواقع، مورد بی‌اعتنایی یا غفلت تصمیم‌گیران مرکز قرار گرفته باعث تشدید آنها شده است. مهاجرفرستی و به تبع آن، کاهش رشد جمعیت یکی از مسائلی است که این استان در چند دهه اخیر، با آن مواجه شده است. روند مهاجرت بین استانی نشان می‌دهد در طول چهار سرشماری اخیر، استان خوزستان بعد از استان تهران، بیشترین درصد مهاجران خارج‌شده را داشته است. همچنین خالص مهاجرت استان‌ها نشان می‌دهد که این استان بعد از استان‌های آذربایجان شرقی و کرمانشاه بیشترین خالص مهاجرت منفی را داشته است (محمودیان و قاسمی‌اردهایی، ۱۳۹۲: ۵). منابع آماری موجود (سرشماری ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵) نشان می‌دهد که استان خوزستان به‌ترتیب با خالص مهاجرت^۲ ۵۴۵۳۰- و ۸۱۸۵۹- جزء مهاجرفرست‌ترین استان‌های کشور

1. Michael Todaro

۲. خالص مهاجرت عبارت است از حاصل تفریق تعداد افرادی که منطقه مشخصی را طی زمانی معین ترک می‌کنند (E) از تعداد افرادی که طی همان دوره زمانی وارد منطقه مذکور می‌شوند (I) اگر این دو رقم باهم برابر باشند (I=E) خالص مهاجرت برابر با صفر می‌شود. اگر تعداد مهاجران واردشده بیش از مهاجران خارج‌شده باشد (I>E) این میزان مثبت و منطقه موردنظر مهاجرپذیر و تعداد مهاجران خارج‌شده بیش از مهاجران واردشده باشد (I<E) این میزان منفی خواهد بود و منطقه موردنظر مهاجر فرست خواهد بود.

$$NM = I - E$$

به حساب می‌آید. همچنین سهم جوانان در گروه سنی ۲۹ - ۱۵ ساله، ۴۸ درصد کل مهاجرین خارج شده را دربرمی‌گیرد^۱ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). به علاوه، پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر، در مورد مهاجرت (برون کوچی) از استان خوزستان صورت گرفته حکایت از میزان بالای تمایل به مهاجرت به خصوص در میان جوانان دارد (هاشمی، ۱۳۷۵؛ ارشاد و آقایی، ۱۳۸۱؛ حاجی حسینی، ۱۳۸۴؛ ارشاد و حزب‌اوی، ۱۳۸۴؛ حزب‌اوی، ۱۳۸۶).

با توجه به موارد ذکرشده، مشاهده می‌شود که درصد قابل‌توجهی از مهاجران از استان خوزستان جوانان بوده‌اند. منفی بودن خالص مهاجرت استان، به خصوص مهاجرت جوانان از مسائل اجتماعی عمده استان بوده که سبب کمبود نیروی فعال و تشدید عقب‌ماندگی استان خواهد شد، بدیهی است خروج چنین افرادی با چنین کیفیتی از استان می‌تواند عواقب و پیامدهای جدی برای توسعه استان دربرداشته باشد. این موضوع در بلندمدت، حائز اهمیت خواهد بود؛ چراکه مهاجرت جوانان موجب کاهش نیروی جوان و رشد جمعیت، افزایش نسبت سالخوردگی و در نتیجه، افزایش نسبت وابستگی در مبدأ می‌گردد. یکی از اصلی‌ترین شرایط ایجادکننده مهاجرت، نگرش مثبت نسبت به آن یا در مرحله بالاتر، ایجاد شوق به مهاجرت در میان نیروهای فعال جامعه است که می‌تواند زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زیادی داشته باشد؛ بنابراین احساس و ادراک افراد از وضعیتی که در آن زندگی می‌کنند، به علاوه اطلاعات و تصور افراد از مجموعه شرایط موجود، در مقصد مهاجرت، می‌تواند تأثیر زیادی بر تمایل آنها به مهاجرت داشته باشد از این‌رو، این پژوهش در پی یافتن پاسخ به این سؤال است که تمایل جوانان به مهاجرت از استان خوزستان چگونه است و چه عواملی بر آن مؤثرند؟

پیشینه تجربی

بامطالعه و بررسی تحقیقات انجام‌شده درباره مهاجرت جوانان با دو محور موضوعی که محققان به آن علاقه نشان داده‌اند مواجه‌ایم: دسته اول مطالعاتی است که بر عوامل مؤثر بر مهاجرت جوانان متمرکز شده‌اند و سعی در تبیین علت‌های مهاجرت جوانان داشته‌اند (طاهرخانی، ۱۳۸۱؛ غفاری و ترکی هرچگانی، ۱۳۸۹؛ عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۹۲؛ فن، ۲۰۰۵؛ کرو، ۲۰۱۰). دسته دوم مطالعاتی است که به اثرات، آسیب‌ها و پیامدهای مهاجرت جوانان در مبدأ و مقصد توجه داشته‌اند (حسینی، ۱۳۸۱؛ کوششی، ۱۳۸۳؛ قاسمی سیانی، ۱۳۸۸؛ داسکوپتا، ۱۹۹۳؛ اسکلدون، ۲۰۰۱؛ اپستاین، ۲۰۱۰). در ادامه، به گزیده‌ای از نتایج مطالعات صورت گرفته در هریک از این دو حوزه خواهیم پرداخت.

۱. نسبت این گروه سنی در ترکیب سنی کل جمعیت استان حدود ۳۰ درصد است.

طاهرخانی (۱۳۸۱) طی تحقیقی دریافت که علاوه بر انگیزه‌های اقتصادی در مهاجرت جوانان روستایی به‌عنوان مهم‌ترین عامل، عواملی همچون تسهیلات محلی، رضایت از محل سکونت، رفاه اجتماعی، استانداردهای زندگی، نیاز به پیشرفت، زندگی بهتر و هدف‌های ارزشی نقش مهمی در مهاجرت جوانان روستایی به شهر دارند. غفاری و ترکی هرچگانی (۱۳۸۹) نشان می‌دهند که بین اشتغال، دستیابی به امنیت شغلی، درآمد و کار بهتر، دستیابی به امکانات تفریحی-ورزشی، دستیابی به تسهیلات آموزشی و کثرت امکانات در شهرها با میزان مهاجرت جوانان روستایی رابطه معناداری وجود دارد. کمبود خدمات رفاهی و آموزشی و عدم وجود فرصت‌های شغلی در روستا، ازجمله عوامل دفع‌کننده جمعیت جوانان در روستا به‌شمار می‌آیند. عباسی شوازی و همکاران (۱۳۹۲) در تحلیل علت مهاجرت نشان می‌دهند که ملاحظات شغلی مهم‌ترین دلیل مهاجرتی به‌ویژه برای جوانان است. همچنین کسب سرمایه انسانی یا تحصیلات نیز عامل مهمی در این زمینه است. فن^۱ (۲۰۰۵) در مقاله «مدل مهاجرت بین استانی در چین» براساس رویکرد جاذبه و نظریات راونشتاین، به بررسی مهاجرت‌های بین استانی در چین پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داد که در طول زمان، اهمیت عوامل جاذبه کاهش یافته است. همچنین، مدل‌هایی که براساس رویکرد جاذبه هستند، از نظر تئوریکی و روش‌شناختی، برای افزایش اطلاعات ما از مهاجرت‌های بین استانی مفید می‌باشند و الگوها و فرایندهای تصمیم‌گیری در مورد مهاجرت در چین، با کشورهای سرمایه‌داری و پیشرفته تفاوتی ندارد. مطالعه کرو^۲ (۲۰۱۰) در بررسی عوامل مؤثر بر تصمیمات مهاجرت روستایی در اسکاتلند نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی (نظیر بیکاری و نیاز به یک کار با کیفیت بالا و درآمد پایین در روستاها) و عوامل خدماتی-رفاهی (کمبود امکانات در روستاها) بر تصمیم مهاجرت روستاییان به شهر مؤثرند.

حسینی (۱۳۸۱) در بررسی اثر مهاجرت بر ساختار اجتماعی و فرهنگی شهر رشت به این نتیجه رسید که رشد طبیعی جمعیت، همراه با جمعیت مهاجر، موجب رشد فزاینده جمعیت شهر رشت شده است. توسعه فیزیکی شهر و هجوم به مناطق کشاورزی و به‌وجود آمدن مناطق حاشیه‌نشین از دیگر پیامدهای مهاجرت است. کوششی (۱۳۸۳) در بررسی جریان‌های مهاجرتی در استان تهران و اثر آن بر ساختار سنی و عرضه نیروی کار نشان می‌دهد که جوانان ۲۹-۱۵ ساله سهم بسزایی در جریان مهاجرتی و افزایش نیروی کار در این استان دارند. قاسمی سیانی (۱۳۸۸) با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی دو نوع پیامد برای مهاجرت نسل جوان روستایی بیان می‌کند. الف) پیامد مثبت: بهبودی وضعیت اقتصادی، افزایش آگاهی جوانان، آموزش بهتر، روابط اجتماعی و گذران اوقات فراغت. ب) پیامد منفی: قطع ارتباط جوان با خانواده خود در

روستا و مسائل مرتبط با آن به برهم خوردن نسبت جنسی در روستاها و شهرها، بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی در هریک از حوزه‌ها. داسکوپتا^۱ (۱۹۹۳) در تحلیلی جامع در مقاله خود با عنوان «مهاجرت‌های روستا_شهری و توسعه روستایی» معتقد است که مهاجرت «ارمغان فقر» در مناطق روستایی است. دراین خصوص، وی معتقد است به دلیل اینکه جوانان در جریان مهاجرت‌های روستا_شهری سهم بسزایی دارند؛ سالخورده شدن جمعیت از پیامدهای آن محسوب می‌شود. اسکلدون^۲ (۲۰۰۱) هم عنوان می‌کند، از آنجایی که جوانان بیش از دیگر گروه‌های سنی، تن به مهاجرت می‌دهند در بلندمدت با مهاجرت آنان تولید نسل در جامعه مبدأ کاهش می‌یابد و با کاهش رشد جمعیت، جمعیت پویا در جامعه نیز کاهش پیدا می‌کند. اپستاین^۳ (۲۰۱۰) در پژوهش «مهاجرت و فرهنگ» به موضوع تأثیر مهاجرت بر فرهنگ پرداخته شده است؛ و استدلال می‌کند که مهاجرت روی فرهنگ جوامع مقصد تأثیر دارد. بخش اصلی پژوهش به مهاجرت‌های بین‌المللی اشاره دارد؛ به‌ویژه مهاجرت‌هایی که به کشورهای اروپایی انجام می‌شود. وی اشاره می‌کند زمانی که مهاجرت رخ می‌دهد مهاجران به شدت آسیب‌پذیر هستند و نگرانی بومیان از اثرات فرهنگی مهاجران بر ارزش‌هایشان و تغییر این ارزش‌ها باعث درگیری و تنش میان بومیان و مهاجران می‌شود. در آخر هم اشاره می‌کند که از آنجایی که بیشتر مهاجران را جوانان واقع در سن کار و فعالیت اقتصادی تشکیل می‌دهند، می‌توانند نیروی کار موردنیاز کشورهای اروپایی را تأمین کنند و از این طریق به رفاه بیشتر در این کشورها کمک کنند.

با توجه به آنچه در بحث پیشینه تحقیق ذکر شد، می‌توان گفت که ریشه‌یابی و بررسی علل مهاجرت یکی از دسته‌های مطالعه پر دامنه در حوزه مهاجرت به‌شمار می‌رود که بیشتر بر محوریت مهاجرت روستا شهری و علل آن متمرکز شده است. بررسی مطالعات صورت گرفته در حوزه مهاجرت نشان داد مطالعاتی که دقیق با عنوان و موضوع تحقیق حاضر همخوانی داشته باشند بسیار کم بوده و بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در داخل و خارج در زمینه عوامل اثرگذار بر مهاجرت متمرکز بر مهاجرت روستا_شهری بوده و در مورد مهاجرت‌های استانی و عوامل مؤثر بر آن کمتر توجه شده است؛ بنابراین در این مطالعه عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های استانی (مهاجرت از استان خوزستان به سایر استان‌های کشور) مورد بررسی قرار گرفته است.

رویکرد نظری

بر مبنای ادبیات تئوریک، یک عامل نمی‌تواند به‌عنوان نیروی منفرد مؤثر بر مهاجرت مورد مطالعه قرار گیرد (مندولا^۴، ۲۰۰۸) بلکه مهاجرت در پاسخ به دامنه گسترده‌ای از عوامل با اثربخشی متفاوت بر مردم رخ

1. Dasgupta
2. Skeldon
3. Epstein
4. Mendola

می‌دهد و لزوماً تمام مردم به شیوه مشابهی نسبت به آنها واکنش نشان نمی‌دهند (پرنول^۱، ۱۹۹۳). الگوها و روندها در مهاجرت بیانگر آن هستند که تنها با تأکید بر یک رشته یا یک سطح تحلیل نمی‌توان جریان‌های مداوم مهاجرت را تبیین کرد؛ بلکه ماهیت چندوجهی آن نیازمند نظریه پیچیده است که دورنماها، فرضیه‌ها و سطوح گوناگون را دربرگیرد (مسی و همکاران^۲، ۱۹۹۳: ۴۳۱). اورت لی^۳ نظریه مهاجرت خود را به‌عنوان مفهومی که حاوی عوامل مبدأ و مقصد، مجموعه موانع مداخله‌کننده و یک سلسله عوامل شخصی است به‌منظور تنظیم فرضیه‌های عمومی درخصوص حجم مهاجرت، گسترش جریان و ضد جریان مهاجرت و خصوصیات مهاجرین به کار می‌برد (تودارو، ۱۳۶۷: ۲۴). نظریه لی به «نظریه جاذبه-دافعه» مشهور است. براساس، این نظریه عوامل جاذبه مقصد و دافعه مبدأ، اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... تمایل به مهاجرت را تا حدود زیادی تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و در مرحله بعد و در صورت مهیا بودن شرایط و امکانات مناسب، این تمایل تبدیل به رفتار می‌شود. درکنار این عوامل، مقولاتی چون هزینه‌های مهاجرت، ویژگی‌های روحی و روانی، ارزش‌ها و آمال افراد، تمایل به مهاجرت آنان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. در مدل لی، زمانی که عوامل دافعه (منفی) در مبدأ و ازسوی دیگر، عوامل جاذبه (مثبت) در مقصد بیشتر باشند، احتمال تصمیم به مهاجرت بالا می‌رود.

نظریه سرمایه انسانی، که در دهه ۱۹۶۰ برای تحلیل مهاجرت به کار گرفته شد، از دیدگاه برخی تحلیلگران برای نیروی انسانی آموزش‌دیده بسیار مناسب شناخته شد. این نگرش با تلقی مهارت و تخصص انسان به‌عنوان کالایی در بازار عرضه و تقاضای کار، به تحلیل مهاجرت می‌پردازد؛ بنابراین، تصمیم‌گیری افراد متخصص به مهاجرت، به‌مثابه نوعی تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از آن تلقی می‌شود (ارشاد، ۱۳۸۰: ۴۸). تئوری سرمایه انسانی با مدل هزینه-فایده، که در آن ارزیابی عقلانی هزینه‌ها و منافع برای مهاجرت در نظر گرفته می‌شود، مرتبط است. در پیش‌بینی احتمال مهاجرت در مدل هزینه-فایده، بر ویژگی‌های فردی تکیه شده است (اوبرای^۴، ۱۳۷۰: ۷۳). براساس تقسیم‌بندی استارک، هزینه‌های مهاجرت شامل موارد زیر می‌شود: هزینه‌های پولی مستقیم ناشی از مسافرت (حمل‌ونقل، مسکن و...)، هزینه‌های اطلاعات و تحقیق (زمان، پول، شناسایی شغل‌های موجود و به‌دست‌آوردن آنها و...)، هزینه‌های فرصت (کنار گذاشتن درآمد درحالی‌که به‌خاطر کار، مسافرت و... تحقیق می‌کنند) و هزینه‌های روحی (ترک محیط آشنا و حرکت به یک محیط غریب) (استارک^۵، ۱۹۸۴). در این نظریه،

-
1. Parenwell
 2. Massey and et al
 3. Massey and et al
 4. Oberai
 5. Stark

فرض بر این است که انسان‌ها تمایل دارند که درآمد خالص واقعی دوران زندگی شغلی خود را به حداکثر برسانند و می‌توانند درآمد احتمالی آینده در مقصد و درآمد کنونی خود در مبدأ را محاسبه نمایند. طبق این نظریه می‌توان انتظار داشت که افراد مسن نسبت به جوانان تمایل کمتری به مهاجرت دارند، زیرا اولاً تفاوت درآمد بین مبدأ و مقصد با توجه به عمر باقی‌مانده آن قدر زیاد نیست و در ثانی، هزینه‌های غیرمادی برای این افراد بیش از جوانان است. جوانان، به‌ویژه جوانان تحصیل‌کرده، بیش از دیگران مهاجرت می‌کنند، زیرا تفاوت درآمد بالقوه آنان بین مبدأ و مقصد احتمالاً زیاد است.

براساس نظریه محرومیت نسبی، زمانی که جامعه قادر به تأمین نسبی احتیاجات و نیازهای افراد نباشد، احتمال بروز رفتارهای جمعی افزایش پیدا می‌کند. یکی از این رفتارهای جمعی مهاجرت است که در شرایط محرومیت نسبی احتمال وقوع آن فزونی می‌گیرد. در شرایط محرومیت نسبی، افراد برای رفع محرومیت‌های خویش از امکانات مادی و معنوی اقدام به مهاجرت می‌کنند (لهسای زاده، ۱۳۶۸: ۳۶). در چارچوب نظریه محرومیت نسبی، فردی که تصمیم به مهاجرت می‌گیرد دو موقعیت را ارزیابی می‌کند؛ از یک سو، وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود را با دیگران و از سوی دیگر، وضعیت مبدأ را با مقصد مقایسه کرده و در نتیجه آن، درخصوص مهاجرت کردن یا مهاجرت نکردن، تصمیم می‌گیرد. در این دیدگاه، مهاجرت پاسخ نهایی به محرومیت‌های نسبی است. وقتی فردی نتواند به هدف‌های بارزش در داخل سازمان اجتماعی خود دست یابد و احساس کند که منابع لازم برای رفع محرومیت‌هایش در خارج از سازمان اجتماعی وجود دارد، مهاجرت می‌کند. گرایش طبیعی جوانان برای ترک محل سکونت خود تابعی از انتظارات و ارزش‌های ذهنی آنان است. اشخاص ممکن است در نتیجه مقایسه موقعیت خود نسبت به گروه مرجع احساس محرومیت کرده و دست به مهاجرت بزنند (استارک و بلوم^۱، ۱۹۸۵: ۱۷۸-۱۷۳). طبق نتایج مطالعات استارک و همکارانشان در نپال (بی هانداری^۲، ۲۰۰۴: ۴۹۹-۴۷۵)، بین محرومیت و مهاجرت رابطه مستقیم وجود دارد و اشخاصی که احساس محرومیت بیشتری دارند، نسبت به هم‌تاهای خود بیشتر تمایل به مهاجرت دارند.

کارکردهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، جمعیتی و اداری هر جامعه در مهاجرت و شکل‌گیری آن مؤثر هستند. بررسی‌های صورت‌گرفته جهت شناسایی عوامل مؤثر بر مهاجرت از آن حکایت دارد که مهاجرت از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظریه‌های مرتبط با هریک نشئت می‌گیرد. براساس نظریه لی، عوامل اقتصادی_فیزیکی نامناسب در یک مکان باعث می‌شود که افراد محل زندگی خود را ترک کرده و به مکان دیگری که از نظر اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی در شرایط بهتری هستند، مهاجرت کنند. نظریه سرمایه انسانی

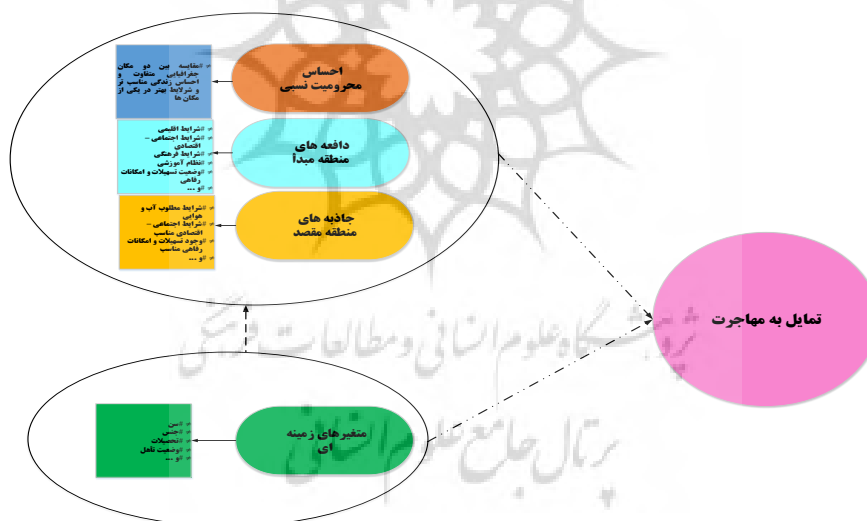
1. Stark and Bloom

2. Bhandari

بحث به حداکثر رساندن درآمد شغلی را مطرح می‌کند و تصمیم‌گیری افراد متخصص و جوان به مهاجرت را جهت انتخاب برای سرمایه‌گذاری بیشتر در دوران فعالیت شغلی خود می‌داند. از دیدگاه نظریه محرومیت نسبی، مهاجرت به سبب ارزیابی فرد از موقعیتی که در آن قرار دارد و موقعیتی که می‌تواند در مکانی دیگر به‌دست بیاورد انجام می‌شود. با توجه به ماهیت موضوع پژوهش و همچنین موقعیت حال حاضر جامعه مورد مطالعه، تنها با یک نظریه یا در یک سطح تحلیل نمی‌توان تحقیق را ساختار بندی کرد؛ بنابراین جهت تبیین نظری مسئله تحقیق به نظریه‌های ذکر شده توجه شده است.

مدل مفهومی

با توجه به رویکرد نظری ارائه‌شده و همچنین پیشینه پژوهش، مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بین برای پیش‌بینی رفتار مهاجرت آتی جوانان، متغیرهای دافعه‌های منطقه مبدأ، جاذبه‌های منطقه مقصد، احساس محرومیت نسبی و عوامل شخصی (متغیرهای زمینه‌ای) می‌باشند. با در نظر گرفتن متغیرهای عنوان‌شده، رهیافت نظری تحقیق و اهداف پژوهش، مدل تحلیلی تحقیق را می‌توان به شکل ذیل طرح‌ریزی کرد:



شکل شماره ۱: مدل تحلیلی تحقیق

براساس مدل ارائه‌شده، فرضیات تحقیق به‌صورت زیر مطرح می‌شوند:

– به نظر می‌رسد دافعه‌های منطقه مبدأ (استان خوزستان) تمایل به مهاجرت جوانان را افزایش می‌دهد. براساس نظریه اورت لی، دافعه مبدأ (اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی

و...) یکی از عواملی است که تمایل به مهاجرت را تا حدود زیادی تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال، شرایط بد اقتصادی و همچنین آب‌وهوای نامناسب در استان خوزستان باعث می‌شود تا تمایل به مهاجرت جوانان به خارج از استان افزایش پیدا کند.

- به نظر می‌رسد جاذبه‌های منطقه مقصد (شهرهای توسعه‌یافته کشور مانند تهران، اصفهان، شیراز و...) تمایل به مهاجرت جوانان را افزایش می‌دهد. در مدل لی، زمانی که عوامل جاذبه (مثبت) در مقصد بیشتر باشند، احتمال تصمیم به مهاجرت بالا می‌رود. با تکیه بر پشتوانه نظری، که در راستای این فرض مطرح گردید، می‌توان اظهار نمود که جاذبه‌های شهرهای توسعه‌یافته کشور (مانند تهران، اصفهان و...) می‌تواند به افزایش تمایل جوانان استان خوزستان برای مهاجرت به این شهرها منجر گردد.

- به نظر می‌رسد احساس محرومیت نسبی در استان، تمایل به مهاجرت جوانان را افزایش می‌دهد. همان‌طور که تئوری محرومیت نسبی ادعا نمود و با توجه به توسعه‌نیافتگی استان خوزستان در مقایسه با استان‌های توسعه‌یافته کشور و برآورده نشدن نیازها و خواسته‌های افراد، انتظار می‌رود که هرچقدر بیشتر احساس محرومیت کنند، احتمال تمایل به مهاجرتشان هم بیشتر باشد.

روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ روش‌شناسی، مبتنی بر رویکرد کمی است. روش تحقیق مورد استفاده در تحقیق حاضر، پیمایش و ابزار اصلی آن پرسش‌نامه محقق ساخته است. در طراحی پرسش‌نامه، از نظرات تکمیلی استادان و اجرای آزمایشی بر تعدادی از جوانان برای افزایش روایی و اعتبار آن بهره‌گیری شد. طبق تحقیق انجام‌شده درباره جوانی (سروش، ۱۳۸۲)، سن جوانی برای دختران ۱۳ تا ۲۹ سال و برای پسران ۱۵ تا ۲۹ سال برآورد شده است. در این تحقیق، با توجه به ماهیت تحقیق و متغیرهایی که باید اندازه‌گیری شوند، سن ۱۸-۲۹ سال در نظر گرفته شد. علت گزینش این طیف سنی، این بوده که افراد استقلال کافی جهت تصمیم‌گیری برای مهاجرت را دارند. جامعه آماری پژوهش شامل طیف جوانان واقع در گروه سنی ۱۸-۲۹ ساله ساکن استان خوزستان است. برای انتخاب جامعه آماری، که معرف مناسب و نتایج آن قابل تعمیم به سایر نقاط استان باشد، علاوه بر شهرستان اهواز، به عنوان مرکز استان، که دارای ترکیب و تنوع قومی متفاوتی می‌باشد، چهار شهرستان ایذه، آبادان، امیدیه و دشت آزادگان که به ترتیب در شمال شرقی، جنوب، جنوب شرق و غرب استان واقع شده‌اند، جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق انتخاب شده‌اند چرا که هم خالص مهاجرتی آنها نسبت به جمعیت رقم بالایی دارد و هم ترکیب آنها، از هر جهت، می‌تواند نمونه معرف استان خوزستان باشد. روش نمونه‌گیری در این بررسی، خوشه‌ای چندمرحله‌ای متناسب با حجم در نظر

گرفته شده است. در مرحله اول، همه شهرستان‌های استان خوزستان در نمونه قرار گرفتند. در مرحله دوم، از میان ۲۴ شهرستان استان، ۱۷ شهرستان، که خالص مهاجرتی آنها منفی بوده در نمونه قرار گرفتند و ۷ شهرستان دیگر که خالص مهاجرتی آنها مثبت بوده کنار گذاشته شدند. در مرحله آخر، بعد از انتخاب شهرستان اهواز، به‌عنوان مرکز استان، از میان شهرستان‌های شمال استان، شهرستان ایذه؛ از میان شهرستان‌های جنوب استان، شهرستان آبادان؛ از میان شهرستان‌های غرب استان، شهرستان دشت آزادگان و از میان شهرستان‌های شرق استان، شهرستان امیدیه به‌صورت تصادفی انتخاب، سپس با توجه به جمعیت واقع در گروه سنی ۱۵-۲۹ ساله هر شهرستان، حجم نمونه با استفاده از تناسب روی این شهرستان‌ها توزیع شد (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: توزیع جمعیت جوان (۱۵-۲۹ ساله) و حجم نمونه شهرستان‌های موردبررسی

شهرستان	اهواز	ایذه	آبادان	امیدیه	دشت آزادگان	جمع کل
جمعیت (۱۵-۲۹)	تعداد	۴۶۶۰۰۸	۶۹۱۲۱	۹۰۰۳۷	۳۵۶۸۳	۶۹۲۹۰۶
	سهم (%)	۶۷	۱۰	۱۳	۴	۱۰۰
حجم نمونه	۲۵۷	۳۹	۵۰	۱۵	۲۴	۳۸۵

اعتبار محتوایی (صوری) پرسش‌نامه را متخصصان تأیید کرده و پایایی متغیرهای اصلی پژوهش از طریق معیار آلفای کرونباخ به‌دست‌آمده که در جدول شماره ۲ بیان می‌شود. مقدار آلفای کرونباخ متغیرها نشان می‌دهد که پایایی شاخص‌های ساخته‌شده تحقیق در سطح قابل قبولی است.

جدول شماره ۲: مقدار آلفای متغیرهای اصلی تحقیق

متغیرهای اصلی تحقیق	ضریب پایایی ^۱
عوامل دافعه	۰/۸۳۴۹
عوامل جاذبه	۰/۸۱۳۰
احساس محرومیت نسبی	۰/۶۵۳۳

تعاریف مفاهیم متغیرهای تحقیق

تمایل به مهاجرت: آمادگی و قبول روحی-روانی فرد برای جابه‌جایی از نقطه‌ای به نقطه دیگر. برای سنجش تمایل به مهاجرت، از پاسخگویان پرسیده شد آیا قصد دارند که در آینده برای ادامه زندگی و سکونت به شهر دیگری (به‌غیر از استان خوزستان) مهاجرت کنند یا خیر.

۱. مقدار آلفای یکی از متغیرها کمتر از مقدار لازم (۰/۷) است اما از آنجاکه به‌لحاظ مفهومی، این متغیر برای مطالعه حاضر بسیار حائز اهمیت است، نتایج مربوطه با احتیاط بیشتری تفسیر می‌گردد.

دافعه‌های مبدأ: به عوامل و شرایط منفی اطلاق می‌شود که در مبدأ وجود دارد، افراد را از ماندن در مبدأشان بازداشته و برای مهاجرت به مکانی دیگر که این شرایط و عوامل را ندارند تحریک می‌کند. در این بررسی، دافعه مبدأ از چندین مؤلفه با عنوان عوامل اقلیمی-جغرافیایی، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی-فرهنگی، عوامل خدماتی-رفاهی و عوامل امنیتی تشکیل شده و جهت سنجش آنها از طیف لیکرت پنج گزینه‌ای (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) استفاده شده است.

جاذبه‌های مقصد: به عوامل و شرایط مثبتی اطلاق می‌شود که در شهرهای دیگر وجود دارد و افراد را برای مهاجرت به این شهرها برمی‌انگیزاند. مثبت بودن این عوامل و شرایط موجب می‌شود که افراد از مبدأ اصلی‌شان فاصله گرفته و به‌سوی این شهرها مهاجرت کنند. جاذبه مقصد از چندین مؤلفه با عنوان عوامل اقلیمی-جغرافیایی، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی-فرهنگی، عوامل خدماتی-رفاهی و عوامل امنیتی تشکیل شده و جهت سنجش آنها از طیف لیکرت پنج گزینه‌ای (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) استفاده شده است.

احساس محرومیت نسبی: مقایسه بین دو موقعیت زندگی (مثلاً دو مکان جغرافیایی متفاوت) از طرف فرد و احساس مناسب‌تر و زندگی بهتر در یکی از این موقعیت‌ها. براساس این مفهوم، اگر شخص خودش را با دیگری مقایسه کند، در صورت تفاوت در سطح محرومیتشان، شخص احساس ذهنی متناقض در ارزیابی از موقعیت دیگری تجربه می‌کند؛ اگر مقایسه با فردی محروم انجام شود، حالت به‌وجودآمده محرومیت نسبی نامیده می‌شود (دیویس^۱، ۱۹۵۹). برای سنجش محرومیت نسبی از طیف لیکرت پنج گزینه‌ای (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) و گویه‌های مقایسه وضع معیشتی و اقتصادی افراد در استان خوزستان در سال‌های اخیر در مقایسه با استان‌های دیگر، مقایسه پیشرفت اقتصادی-اجتماعی افراد در استان خوزستان نسبت به دیگر استان‌ها، مقایسه سطح رفاه افراد و خانواده‌ها در استان خوزستان در مقایسه با استان‌های دیگر و مقایسه میزان امنیت اجتماعی در شهرهای استان خوزستان در مقایسه با استان‌های دیگر استفاده شده است.

یافته‌ها

توزیع پاسخگویان برحسب ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی در جدول شماره ۳ آمده است. براین اساس ۵۳ درصد پاسخگویان مرد و ۴۷ درصد زن هستند. برای درک بهتر از گستره سنی پاسخگویان، سن آنها در قالب گروه‌های سنی تنظیم شده است. بیش از ۳۷ درصد از مردان در گروه سنی ۲۹-۳۷ ساله و

پس از آن، در گروه سنی ۲۶-۲۴ ساله (۳۷ درصد) قرار داشته و درصد زنان به ترتیب، به گروه‌های سنی ۲۹-۲۷ ساله (۳۶ درصد) و ۱۸-۲۰ ساله (۲۶ درصد) اختصاص داشته است. از نظر میزان تحصیلات، مقطع کارشناسی برای هر دو جنس (مردان ۲۶ درصد و زنان ۳۷ درصد) بیشترین فراوانی را داشته است. ۶۷ درصد مردان و ۶۹ درصد زنان مجرد و ۳۲ درصد مردان و ۳۱ درصد زنان متأهل هستند. اکثریت جوانان پاسخگو در این بررسی، بختیاری (۳۵ درصد) و پس از آن، عرب (۳۲ درصد) بوده‌اند. همچنین، حدود ۸۹ درصد مردان و حدود ۸۵ درصد زنان شیعه بوده‌اند. در مجموع، ۱۳ درصد از کل جوانان در این بررسی غیر شیعه بوده‌اند. به لحاظ وضعیت سکونت، ۴۶ درصد از افراد در مسکن شخصی، ۳۹ درصد مسکن استیجاری، حدود ۸ درصد مسکن سازمانی و ۷ درصد در سایر منازل سکونت داشته‌اند. ۳۲ درصد مردان شاغل بوده‌اند در حالی که در مورد زنان، تنها ۱۱ درصد در زمان انجام تحقیق شغل داشتند، به‌طور کلی ۲۲ درصد پاسخگویان شاغل، ۲۶ درصد بیکار، ۴۲ درصد دانشجو و ۱۰ درصد خانه‌دار بوده‌اند. همچنین، ۵۸ درصد مردان شاغل و ۹۰ درصد زنان شاغل در این بررسی کارمند بوده‌اند. بیش از ۷۰ درصد پاسخگویان فاقد درآمد و درآمد زیر ۵۰۰ هزار تومان (۴۳ درصد فاقد درآمد و ۳۰ درصد درآمد زیر ۵۰۰ هزار) داشته‌اند.

جدول شماره ۳: توزیع درصد پاسخگویان بر حسب ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی

ویژگی	مرد	زن	کل	تعداد
سن	۱۸-۲۰	۱۵/۳	۲۶/۴	۷۹
	۲۱-۲۳	۹/۹	۲۲/۵	۶۱
	۲۴-۲۶	۳۶/۹	۱۶/۵	۱۰۵
	۲۷-۲۹	۳۷/۹	۳۴/۶	۱۴۰
تحصیلات	ابتدایی	۷/۹	۱/۶	۱۹
	راهنمایی	۱/۸	۵/۵	۳۲
	متوسطه	۱۳/۳	۲/۳	۶۴
	کاردانی	۲۲/۲	۲۷/۵	۹۵
	کارشناسی	۲۶/۱	۳۹/۶	۱۲۵
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۱۹/۷	۵/۵	۵۰
وضعیت تأهل	مجرد	۶۷/۵	۶۹/۲	۲۶۳
	متأهل	۳۲/۵	۳/۸	۱۲۲
	فارس	۱۲/۳	۲/۳	۶۲
قومیت	لر	۴/۹	۷/۷	۲۴
	عرب	۳۸/۹	۲۴/۷	۱۲۴
	بختیاری	۳۵/۵	۳۴/۶	۱۳۵
	سایر	۸/۴	۱۲/۶	۴۰
			۱/۴	

ادامه جدول شماره ۳: توزیع درصد پاسخگویان برحسب ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی

ویژگی	مرد	زن	کل	تعداد
مذهب	شیعه	۸۸/۷	۸۴/۶	۸۶/۸
	سنی	۴/۹	۶/۰	۵/۵
	زرتشتی	۴/۹	۴/۴	۴/۷
	سایر	۱/۵	۴/۹	۳/۱
وضعیت مسکن	شخصی	۴۳/۸	۴۸/۴	۴۶
	اجاره‌ای	۴۱/۹	۳۶/۳	۳۹/۲
	سازمانی	۶/۴	۸/۸	۷/۵
	سایر	۷/۹	۶/۶	۷/۳
وضع فعالیت	شاغل	۳۱/۵	۱۱/۵	۲۲/۱
	بیکار در جستجوی کار	۳۶/۹	۱۲/۶	۲۵/۵
	دانشجو	۳۱/۰	۵۴/۴	۴۲/۱
	خانه‌دار	۰	۲۲	۱/۴
عنوان شغل	کارگر	۳/۱	۰	۲/۴
	کاسب	۳۴/۴	۹/۵	۲۸/۲
	کارمند	۵۷/۸	۹/۵	۶۵/۹
	تاجر	۴/۷	۰	۳/۵
درآمد (برحسب تومان)	فاقد درآمد	۱۴/۸	۷۴/۲	۴۲/۹
	زیر ۵۰۰ هزار	۴۸/۸	۱۳/۲	۳۰
	۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون	۱۹/۲	۲/۷	۱۱/۴
	۱ میلیون تا ۱ میلیون و پانصد هزار	۸/۹	۴/۴	۶/۸
	بیشتر از ۱,۵۰۰,۰۰۰	۱/۳	۵/۵	۸/۱
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۳۸۵

همچنین یافته‌ها نشان داد که تمایل به مهاجرت برای هر دو جنس نزدیک به هم و در سطح بالایی است. براین اساس ۷۶/۸ درصد مردان و ۷۷/۵ درصد زنان تمایل به مهاجرت داشته‌اند. به‌طورکلی، ۷۷ درصد جوانان پاسخگو در این بررسی تمایل به مهاجرت به مکانی به غیر از استان خوزستان داشته‌اند و ۲۳ درصد تمایلی به مهاجرت از خود نشان نداده‌اند. در صورت مهاجرت: ۴۶ درصد جوانان تهران، ۳۰ درصد اصفهان، نزدیک ۱۵ درصد شیراز، ۸ درصد کرج و حدود ۱ درصد سایر شهرهای کشور را به‌عنوان مقصد اول مهاجرت خود برمی‌گزینند (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴: تمایل به مهاجرت جوانان استان خوزستان به تفکیک جنس

تمایل به مهاجرت	مرد	زن	کل	تعداد
بله	۷۶/۸	۷۷/۵	۷۷/۱	۲۹۷
خیر	۲۳/۲	۲۲/۵	۲۲/۹	۸۸
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۳۸۵

برای شناخت رابطه بین تمایل به مهاجرت جوانان (به عنوان متغیر وابسته) و متغیرهای مستقل در این تحقیق از آزمون کای اسکوتر^۱ استفاده شده است. به منظور تفسیر بهتر متغیرهای تحقیق، با جمع کردن گویه-های مربوط به هر متغیر و مشخص کردن دامنه تغییرات آن و همچنین تقسیم آن بر عدد ۳ یک متغیر تربیتی با سه طبقه پایین، متوسط و بالا ساخته شد و توزیع پاسخگویان براساس این سه طبقه ارزیابی شده است. نگاهی به نتایج ارائه شده در جدول شماره ۵ نشان می دهد که بین تمایل به مهاجرت جوانان به خارج از استان و متغیرهای دافعه مبدأ، جاذبه مقصد، احساس محرومیت نسبی در سطح ۰/۰۵ رابطه وجود دارد. با توجه به یافته های جدول شماره ۲ و با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت که هرچه ارزیابی از وضعیت موجود عوامل دافعه در استان نامطلوب تر باشد، تمایل به مهاجرت جوانان به خارج از استان نیز افزایش می یابد و بالعکس. همچنین هرچه ارزیابی از وضعیت عوامل جاذبه در مقصد بالاتر باشد، تمایل به مهاجرت جوانان به خارج از استان افزایش می یابد. هرچه دافعه مبدأ و جاذبه مقصد در نظر فرد بیشتر باشد، نگرش او نسبت به مهاجرت مثبت تر است. یافته های تحقیق نشان می دهد پاسخگویانی که محرومیت نسبی در استان خوزستان را بالا برآورد کرده اند تمایل به مهاجرت به خارج از استان خوزستان داشته اند. در مقابل، کسانی که محرومیت نسبی در استان را پایین برآورد کرده اند، تمایلی به مهاجرت نداشته اند.

جدول شماره ۵: نتایج تحلیل دو متغیره روابط بین تمایل به مهاجرت و متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر	تمایل به مهاجرت		کل	تعداد	آماره
	خیر	بله			
دافعه مبدأ	پایین	۸۴/۶	۱۵/۴	۱۱	Chi-Square=۱۷۱/۷۴۱*
	متوسط	۵۶	۴۴	۱۲۵	
	بالا	۲/۷	۹۷/۳	۲۴۹	Cramer's V=۰/۷۷۸
جاذبه مقصد	پایین	۶۳/۶	۳۶/۴	۱۳	chi-square=۳۸۷/۵۷*
	متوسط	۳۳/۳	۶۷/۷	۲۲۹	
	بالا	۲/۸	۹۷/۲	۱۴۳	Cramer's V=۰/۴۵۷
محرومیت نسبی	پایین	۴۵/۹	۵۴/۱	۱۲۲	Chi-square=۴۵۵/۸۰*
	متوسط	۳۳/۳	۶۶/۷	۷۵	
	بالا	۳/۷	۹۶/۳	۱۸۸	Cramer's V=۰/۵۶۱

*= معنی داری در سطح ۰/۰۵

همچنین بین سن پاسخگویان و تمایل به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد. جوان‌ترها تمایل بیشتری به مهاجرت دارند و هرچه سن بالاتر باشد، تمایل نسبت به مهاجرت منفی‌تر است. تحصیلات نیز رابطه معناداری با تمایل به مهاجرت داشته است. نتایج نشان داد با افزایش تحصیلات پاسخگویان، تمایل به مهاجرت آنان نیز افزایش می‌یابد. همچنین بین مذهب پاسخگویان و تمایل به مهاجرت آنان رابطه معناداری وجود دارد، ولی شدت رابطه بین دو متغیر موردنظر زیاد نیست. قومیت یکی دیگر از متغیرهایی است که رابطه معناداری با تمایل به مهاجرت داشته است. پاسخگویان لر کمترین تمایل را داشته در حالی که پاسخگویان سایر قومیت‌ها بیشترین تمایل به مهاجرت را از خود نشان داده‌اند. کمترین تمایل به مهاجرت در بین پاسخگویان، مربوط به شاغلین و بیشترین تمایل به مهاجرت در بین پاسخگویان مربوط به جوانان بیکار می‌باشد. بین پاسخگویان به لحاظ سطح درآمد رابطه معناداری وجود دارد. با افزایش درآمد پاسخگویان، تمایل به مهاجرت آنان کاهش می‌یابد. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که بین تمایل به مهاجرت با متغیرهای جنس، وضعیت تأهل و وضعیت مالکیت مسکن رابطه معناداری وجود ندارد (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶: نتایج تحلیل دو متغیره رابطه بین تمایل به مهاجرت و متغیرهای جمعیتی تحقیق

متغیر	تمایل به مهاجرت		کل	تعداد		
	خیر	بله				
جنس	مرد	۲۳/۲	۷۶/۸	۱۰۰	۲۰۵	chi-square=۰/۲۷۲ns
	زن	۲۲/۵	۷۷/۵	۱۰۰	۱۸۰	
سن	۱۸-۲۰	۳/۱	۹۶/۹	۱۰۰	۷۹	Chi-Square=۴۶۴/۷۵*
	۲۱-۲۳	۶/۳	۹۳/۷	۱۰۰	۶۱	
	۲۴-۲۶	۱۵/۹	۸۴/۱	۱۰۰	۱۰۵	
	۲۷-۲۹	۴۷/۴	۵۲/۶	۱۰۰	۱۴۰	
وضعیت تأهل	مجرد	۲۳/۶	۷۶/۴	۱۰۰	۲۶۳	Chi-Square=۲۹۹/۰ ns
	متأهل	۲۱/۱	۷۸/۹	۱۰۰	۱۲۲	
تحصیلات	ابتدایی	۷۹/۲	۲/۸	۱۰۰	۱۹	Chi-Square=۳۳۶/۷۰*
	راهنمایی	۴۶/۹	۵۳/۱	۱۰۰	۳۲	
	دیپلم	۲۳/۲	۷۶/۸	۱۰۰	۶۴	
	کاردانی	۲/۳	۷۹/۷	۱۰۰	۹۵	
	کارشناسی	۱۵/۲	۸۴/۸	۱۰۰	۱۲۵	
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۲	۹۸	۱۰۰	۵۰	
مذهب	شیعه	۲۵/۷	۷۴/۳	۱۰۰	۳۳۴	Chi-Square=۴۰۰/۱۳*
	سنی	۱۵/۴	۸۴/۶	۱۰۰	۲۱	
	زرتشتی	۹/۸	۹۰/۲	۱۰۰	۱۸	
	سایر	۱۶/۷	۸۳/۳	۱۰۰	۱۲	

ادامه جدول شماره ۶: نتایج تحلیل دو متغیره رابطه بین تمایل به مهاجرت و متغیرهای جمعیتی

تحقیق

	تعداد	کل	تمایل به مهاجرت		متغیر
			بله	خیر	
Chi-square=۷/۳۳۰ns	۱۷۷	۱۰۰	۷۳/۷	۲۶/۳	شخصی
	۱۵۱	۱۰۰	۷۸/۶	۲۱/۴	اجاره‌ای
	۲۹	۱۰۰	۷۲/۴	۲۷/۶	سازمانی
	۲۸	۱۰۰	۹۶/۳	۳/۷	سایر
Chi-Square=۵۳۹/۹* Cramer's V=۰/۱۵۷	۶۲	۱۰۰	۶۲/۹	۳۷/۱	فارس
	۲۴	۱۰۰	۸۲/۶	۱۷/۴	لر
	۱۲۴	۱۰۰	۸۰	۲۰	عرب
	۱۳۵	۱۰۰	۷۷/۸	۲۲/۲	بختیاری
	۴۰	۱۰۰	۸۵	۱۵	سایر
Chi-Square=۶۶۴/۲۱* Cramer's V=۰/۳۳۷	۸۵	۱۰۰	۶۲/۹	۳۷/۱	شاغل
	۹۸	۱۰۰	۸۸/۹	۱۱/۱	بیکار در جستجوی کار
	۱۶۲	۱۰۰	۷۳/۶	۲۶/۴	دانشجو
	۴۰	۱۰۰	۶۸/۲	۳۱/۸	خانه‌دار
Chi-Square=۱۷۹/۲۲* Cramer's V=۰/۲۴۵	۱۶۵	۱۰۰	۸۳/۳	۱۶/۷	فاقد درآمد
	۱۱۹	۱۰۰	۹۰/۲	۹/۸	زیر ۵۰۰ هزار
	۴۴	۱۰۰	۸۴/۶	۱۵/۴	۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون
	۲۶	۱۰۰	۶۹/۲	۳/۸	۱ میلیون تا ۱ میلیون و پانصد هزار
	۳۱	۱۰۰	۵۵/۶	۴۴/۴	بیشتر از ۱,۵۰۰,۰۰۰

*=معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ ns=غیر معنی‌دار

جدول شماره ۷ نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک را نشان می‌دهد. مدل‌های مطرح‌شده احتمال پیش‌بینی هریک از متغیرهای مستقل در مورد احتمال تمایل به مهاجرت را نشان می‌دهد. در مدل اول، متغیرهای عوامل دافعه در مبدأ، عوامل جاذبه در مقصد و احساس محرومیت نسبی، که به‌طور مستقیم و بدون واسطه تمایل به مهاجرت را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند، وارد مدل رگرسیونی شدند. سپس، متغیرهای جمعیتی (سن، جنس، وضعیت تأهل)، متغیرهای اجتماعی-فرهنگی (تحصیلات، مذهب، قومیت) و متغیرهای اقتصادی (وضعیت فعالیت و درآمد) به‌ترتیب وارد مدل‌های دوم، سوم و چهارم شدند تا تأثیر هم‌زمان متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی، عوامل دافعه، عوامل جاذبه و احساس محرومیت نسبی بر تمایل به مهاجرت ارزیابی شود.

مُدل اول: این مدل، همان‌طور که گفته شد، متغیرهایی چون عوامل دافعه، عوامل جاذبه و احساس محرومیت نسبی در تمایل به مهاجرت جوانان را شامل می‌شود. نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک نشان داد که هر سه متغیر از لحاظ آماری معنی‌دار هستند. به بیان دیگر، این متغیرها احتمال تمایل به مهاجرت را تحت تأثیر قرار می‌دهند و تغییر آنها در جهت موافق با متغیر وابسته است. بدین معنی که اگر عوامل دافعه افزایش یابد، احتمال تمایل به مهاجرت هم افزایش پیدا می‌کند، در مورد متغیرهای عوامل جاذبه و احساس محرومیت نسبی هم همین‌طور. احتمال تمایل به مهاجرت جوانانی که عوامل دافعه در مبدأ، عوامل جاذبه در مقصد و محرومیت نسبی استان را بالا برآورد کرده، در مقایسه با آنانی که معتقد بودند این عوامل در سطح پایینی است، به ترتیب ۴۸، ۴۷ و ۲۹ درصد بیشتر است. همچنین این متغیرها توانسته‌اند ۶۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

مُدل دوم: در این مدل، متغیرهای جمعیتی (سن، جنس، وضعیت تأهل) نیز وارد مدل رگرسیونی شدند. نتایج حاکی از آن است که رابطه معناداری بین این متغیرها و تمایل به مهاجرت وجود دارد. همچنین سطح معنی‌داری متغیرهای عوامل دافعه، عوامل جاذبه و احساس محرومیت نسبی با ورود متغیرهای جمعیتی افزایش پیدا کرده است. همان‌طور که داده‌های جدول نشان می‌دهد، با ورود متغیرهای جمعیتی، ضریب تعیین متغیر وابسته هم افزایش پیدا می‌کند و از ۶۵ درصد در مدل اول، به ۸۰ درصد در مدل دوم می‌رسد و این به معنای آن است که این متغیرها در مجموع توانسته‌اند بالای ۸۰ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

مُدل سوم: در این مدل متغیرهای اجتماعی_فرهنگی (تحصیلات، مذهب و قومیت) به مجموعه متغیرهای مدل ۲ اضافه شدند. اگرچه در بین متغیرهای اجتماعی_فرهنگی، در کنار سایر متغیرها، تنها تحصیلات (راهنمایی و متوسطه در مقابل تحصیلات عالی) تأثیر معنی‌داری بر احتمال تمایل به مهاجرت دارد، اما ورود این متغیرها باعث تغییر در سطح معنی‌داری متغیرهایی که در مدل ۱ و ۲، معنی‌دار بودند شده است. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، از یک طرف با ورود این متغیرها سطح معناداری متغیرهای عوامل دافعه، عوامل جاذبه و احساس محرومیت نسبی افزایش پیدا می‌کند. از طرف دیگر، سطح معناداری متغیر جنس کاهش پیدا می‌کند. همچنین متغیر سن، که در مدل‌های ۱ و ۲ از لحاظ آماری رابطه معناداری با متغیر وابسته داشت، در این مدل، غیرمعنادار شده است. دلیل احتمالی این تغییرات بیشتر به‌خاطر وجود متغیر تحصیلات در این مدل می‌باشد.

مُدل چهارم: در این مدل، متغیرهای اقتصادی (وضعیت فعالیت و درآمد) نیز به مدل‌های ۱ و ۲ و ۳ اضافه شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد متغیرهایی که به لحاظ آماری، در مدل ۳ معنادار بودند، در این مدل نیز

همچنان معنادار هستند؛ اما رابطه معناداری بین متغیرهای اقتصادی و احتمال تمایل به مهاجرت وجود ندارد. همچنین ورود این متغیرها باعث افزایش سطح معناداری متغیرهای عوامل دافعه و جاذبه و کاهش سطح معناداری متغیر احساس محرومیت نسبی شده است.

جدول شماره ۷: پیش‌بینی احتمال تمایل به مهاجرت برحسب متغیرهای منتخب با استفاده از

رگرسیون لجستیک

متغیر مستقل		مدل ۱		مدل ۲		مدل ۳		مدل ۴	
		Exp(B)	Sig.	Exp(B)	Sig.	Exp(B)	Sig.	Exp(B)	Sig.
عوامل دافعه		۱/۴۸۵	*	۱/۶۳۹	*	۱/۷۹۵	*	۱/۸۳۴	*
عوامل جاذبه		۱/۴۷۴	*	۱/۵۸۱	*	۱/۷۷۱	*	۱/۸۱۲	*
احساس محرومیت نسبی		۱/۲۹۴	*	۱/۴۲۱	*	۱/۵۹۷	*	۱/۴۹۱	*
جنس (مرجع = مرد)				۰/۱۴۷	*	۰/۰۳۲	*	۰/۰۵۴	*
سن				۰/۷۳۷	*	۰/۵۴۲	ns	۰/۷۶۲	ns
وضعیت تأهل (مرجع = مجرد)				۱/۷۶۲	*	۱/۳۷۴	*	۱/۲۲۶	*
تخصیلات (۱ = نه، ۰ = بله)	ابتدایی					۰/۰۸۵	ns	۱/۰۶۰	ns
	راهنمایی					۱/۰۱۱	*	۰/۰۱۰	*
	متوسطه					۰/۰۰۱	*	۰/۰۰۱	*
مذهب (۱ = شیعه، ۰ = سنی، ۲ = زرتشتی)	شیعه					۰/۲۸۸	ns	۱/۴۸۵	ns
	سنی					۱/۴۴۶	ns	۱/۲۳۲	ns
	زرتشتی					۱/۸۹۲	ns	۱/۴۲۱	ns
قومیت (۱ = فارس، ۰ = لر، ۲ = عرب، ۳ = بختیاری)	فارس					۱/۲۸۵	ns	۱/۰۸۴	ns
	لر					۰/۹۳۷	ns	۰/۵۰۵	ns
	عرب					۲/۸۱۰	ns	۱/۸۲۸	ns
وضع فعالیت (۱ = شاغل، ۰ = بیکار، ۲ = دانشجو)	بختیاری					۱/۷۵۹	ns	۱/۲۸۰	ns
	شاغل						ns	۱/۶۸۹	ns
	بیکار						ns	۱/۴۲۴	ns
درآمد (۱ = ۵۰۰ تا ۱ میلیون، ۰ = فاقد درآمد)	دانشجو						ns	۱/۲۵۳	ns
	فاقد درآمد						ns	۱/۹۰۴	ns
	زیر ۵۰۰						ns	۱/۴۳۲	ns
۵۰۰ تا ۱ میلیون							ns	۰/۲۷۱	ns
chi-square		۳۱۸/۶۳۱*		۲۹۱/۱۱۲*		۳۳۶/۰۸۵*		۳۳۷/۸۹۹*	
-2 log likelihood		۱۹۵/۲۸۸		۱۲۲/۷۹۸		۷۷/۸۲۵		۷۶/۰۱۲	
Cox & snell R square		۰/۴۳۳		۰/۵۳۱		۰/۵۸۲		۰/۵۸۴	
Nagelkerke R Square		۰/۶۵۸		۰/۸۰۵		۰/۸۸۴		۰/۸۸۷	

* = معناداری در سطح ۰/۰۵ ns = غیر معنی‌دار

مندرجات جدول از آن حکایت دارد که مردان در مقایسه با زنان و متأهلین در مقایسه با مجردین، تمایل بیشتری به مهاجرت دارند. همچنین نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد کسانی که تحصیلات راهنمایی و متوسطه دارند در مقایسه با کسانی که تحصیلات عالی دارند، تمایل کمتری به مهاجرت نشان داده‌اند. عوامل دافعه در مبدأ مهاجرت، عوامل جاذبه در مقصد و احساس محرومیت نسبی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته ما، یعنی تمایل به مهاجرت، داشته‌اند. براساس نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک، از بین متغیرهایی که در تحلیل دومتغیره ارتباط معنی‌داری با متغیر وابسته داشتند، تنها متغیر تحصیلات معنی‌دار است. با این تفاوت که در تحلیل‌های دومتغیره سن، مذهب، قومیت، وضعیت فعالیت و درآمد ارتباط معنی‌داری با متغیر وابسته داشتند اما در مدل چند متغیره، این روابط غیرمعنی‌دار شده است. ازسوی دیگر، درحالی‌که در تحلیل دومتغیره، جنس و وضعیت تأهل ارتباط معنی‌داری با متغیر وابسته نداشتند در مدل چند متغیره، ارتباط آنها معنی‌دار شده است. همان‌طور که در جدول شماره ۷ مشاهده می‌شود، در مرحله چهارم، مقادیر هر دو آماره مربوط به ضریب تعیین پزودو تقریباً بالا (۰/۵۸۴ و ۰/۸۸۷) بوده و این نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل در این تحقیق از قدرت تبیین بالایی درخصوص واریانس و تغییرات متغیر وابسته به تمایل به مهاجرت جوانان برخوردار هستند. درواقع، این متغیرها توانسته‌اند بین ۵۸ تا ۸۸ درصد از تغییرات تمایل به مهاجرت جوانان را تبیین کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

روند مهاجرت بین استانی نشان می‌دهد که در طول چهار سرشماری اخیر، استان خوزستان در بین استان‌های کشور بعد از استان تهران، بیشترین درصد مهاجران خارج‌شده را داشته است. سنجش تمایل به مهاجرت جوانان استان خوزستان و شناسایی عوامل مؤثر بر آن باعث شد تا تحقیق حاضر انجام گیرد. یافته‌ها نشان داد که از نظر تمایل به مهاجرت، جوانان تمایل بالایی را نشان داده‌اند به‌طوری‌که در صورت فراهم بودن شرایط و امکانات، بالای ۷۷ درصد جوانان پاسخگو در این بررسی تمایل به مهاجرت به سایر استان‌های کشور داشته‌اند و تنها ۲۳ درصد تمایل به مهاجرت نداشته‌اند (بیش از ۷۶ درصد مردان و ۷۷ درصد زنان). در تأیید یافته مذکور مبنی بر تمایل بالای مهاجرت در استان خوزستان، حزباوی (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که بالای ۸۰ درصد جوانان شهرستان اهواز تمایل دارند برای ادامه زندگی به مکانی به‌غیراز شهرستان‌های استان خوزستان مهاجرت نمایند. ممبئی و قاسمی اردهایی (۱۳۹۰) طی تحقیقی دریافتند که حدود ۶۰ درصد استادان در شهرستان اهواز، در صورت فراهم شدن شرایط کاری و امکانات زندگی به احتمال زیاد به خارج از استان خوزستان مهاجرت خواهند کرد. دافعه مبدأ و جاذبه مقصد از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در مدل تصمیم‌گیری به مهاجرت اورت لی می‌باشد. در این پژوهش، دافعه‌های منطقه

مبدأ (استان خوزستان) و جاذبه‌های شهرهای توسعه‌یافته کشور به ترتیب مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تمایل به مهاجرت از استان خوزستان به سایر استان‌های کشور می‌باشند. این نتایج نشان‌دهنده اهمیت عوامل دافعه استان خوزستان نسبت به عوامل کششی استان‌های دیگر در نزد ساکنان این استان است. از این منظر، سهم و وزن عامل دافعه اورت لی (۱۹۶۶) و عامل فایده مدل هزینه-فایده (اوبرای، ۱۳۷۰: ۷۳) نسبت به همتهای جاذبه و هزینه بیشتر است. به علاوه، محرومیت نسبی استان خوزستان در مقایسه با سایر استان‌های کشور از دیگر عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت جوانان می‌باشد.

آزمون فرضیه‌های تدوین شده ثابت می‌کند که بین عوامل دافعه منطقه مبدأ مهاجرت و تمایل به مهاجرت جوانان رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، با ۹۵ درصد اطمینان فرض صفر (H_0) رد می‌شود و فرض یک (H_1) مبنی بر اثر داشتن عوامل دافعه در مبدأ بر تمایل به مهاجرت جوانان تأیید می‌گردد؛ یعنی با افزایش نارضایتی از عوامل دافعه، تمایل به مهاجرت بین جوانان نیز افزایش پیدا می‌کند. همچنین نتایج تحلیل چند متغیره با استفاده از رگرسیون لجستیک نشان داد که سهم و وزن عوامل دافعه مبدأ بر تمایل جوانان به مهاجرت در مقایسه با عوامل دیگر بیشتر است. یافته مذکور در مطالعات پیشین (بولمن و همکاران، ۱۹۷۲؛ فن، ۲۰۰۵؛ ارشاد و حزبای، ۱۳۸۳؛ حزبای، ۱۳۸۶؛ ممبئی و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۰) نیز به دست آمده است. در فرضیه دوم، رابطه بین عوامل جاذبه در مقصد، به عنوان متغیر مستقل، و تمایل به مهاجرت جوانان بررسی شده است. داده‌های موجود و تجزیه و تحلیل آنها (هم در تحلیل دو متغیره و هم در تحلیل چند متغیره) نشان می‌دهد که عوامل جاذبه در شهرهای دیگر تأثیر معنی داری در تمایل به مهاجرت جوانان از استان خوزستان داشته است. به عبارتی، هرچه ارزیابی از وضعیت عوامل جاذبه در مقصد بالاتر باشد، تمایل به مهاجرت جوانان به خارج از استان افزایش می‌یابد. به علاوه، نتایج حاصل از تحلیل چند متغیره و رگرسیون لجستیک نشان داد که عوامل جاذبه در شهرهای مقصد مهاجرت بعد از عوامل دافعه مبدأ، بیشترین تأثیر را بر تمایل جوانان به مهاجرت دارد. در تأیید اثرگذاری عوامل جاذبه در مقصد بر تمایل به مهاجرت، فرانکلین (۲۰۰۳) براساس داده‌های سرشماری سال ۲۰۰۰ ایالات متحده، نشان می‌دهد که جاذبه‌های مقصد مانند یافتن مسکن و اشتغال مناسب، علت مهاجرت جوانان مجرد و تحصیل کرده دانشگاهی است. همچنین در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵، تفاوت معناداری بین احساس محرومیت نسبی در استان به عنوان متغیر مستقل و تمایل به مهاجرت جوانان مورد تأیید قرار گرفت. نتایج مربوط به این فرضیه حاکی از این بود که هرچه میزان احساس محرومیت نسبی پاسخگویان افزایش می‌یابد، تمایل آنان به مهاجرت به خارج از استان نیز بیشتر می‌شود. همچنین نتایج تحلیل چند متغیره و رگرسیون لجستیک (با کنترل اثر سایر متغیرها) نشان داد که بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. یافته مذکور در مطالعه حزبای (۱۳۸۶) نیز به دست آمده است.

از دیگر نتایج این پژوهش می‌توان به رابطه معنی‌دار در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ بین متغیرهای سن، تحصیلات، مذهب، قومیت، وضعیت فعالیت، درآمد و تمایل به مهاجرت اشاره کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچه سن پاسخگویان کمتر باشد، تمایل آنان به مهاجرت بیشتر است و برعکس. همچنین می‌توان گفت با افزایش تحصیلات پاسخگویان، تمایل به مهاجرت آنان نیز افزایش می‌یابد. زرتشتیان و سنی مذهب‌ها تمایل بیشتری به مهاجرت از خود نشان داده‌اند. در بین قومیت‌های موجود، پاسخگویان لر کمترین تمایل را داشته درحالی‌که پاسخگویان سایر قومیت‌ها بیشترین تمایل به مهاجرت را از خود نشان داده‌اند. کمترین تمایل به مهاجرت در بین پاسخگویان، مربوط به شاغلین و بیشترین تمایل به مهاجرت در مربوط به جوانان بیکار می‌باشد؛ و بالاخره می‌توان گفت با افزایش درآمد پاسخگویان تمایل به مهاجرت آنان کاهش می‌یابد. نتایج تحلیل دو متغیری و چند متغیری نشان می‌دهد که برای تبیین تمایل به مهاجرت جوانان استان خوزستان و عوامل مؤثر بر آن، نظریه‌های جاذبه و دافعه و محرومیت نسبی مناسب هستند.

بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر مهاجرت جوانان به خارج از استان نشان می‌دهد که عوامل دافعه منطقه مبدأ بیشترین تأثیر را بر تمایل به مهاجرت جوانان دارند. این نتایج نشان‌دهنده اهمیت و مهم بودن عوامل دافعه در استان خوزستان نسبت به عوامل جاذبه سایر مناطق و احساس محرومیت نسبی در نزد جوانان استان خوزستان است. براین اساس بیشترین برنامه‌ریزی باید در جهت کاهش دافعه‌های استان انجام گیرد. سرمایه‌گذاری بیشتر در مناطق محروم استان به‌منظور ایجاد فرصت‌های شغلی و پایدار کردن جمعیت، استفاده از برنامه‌ریزی به‌منظور کاهش فاصله در شاخص‌های توسعه انسانی استان با استان‌های تراز اول کشور، شناخت ظرفیت‌ها و استعدادهای اقتصادی و تولیدی استان به‌منظور سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال، توسعه هماهنگ بخش‌های صنعت، کشاورزی و باغداری، فعالیت‌های تجاری و بازرگانی و همچنین توسعه کارآفرینی مناطق روستایی، طراحی برنامه جامع جهت توسعه فضای سبز و تجدیدنظر در استفاده از مالچ نفتی برای مقابله با ریزگردها (روش‌های جدید مقابله با بیابان‌زایی باید جایگزین روش‌های قدیمی و ریگ‌پاشی جایگزین مالچ‌پاشی شود)، بهبود شرایط اداری، مالی و شغلی در استان، برنامه‌ریزی در جهت کاهش دافعه‌های اقلیمی و امنیتی در استان، گسترش امکانات رفاهی و تفریحی (که از شاخص‌های نوگرایی و توسعه است) رضایت‌بخش در استان از مواردی است که می‌تواند زمینه‌ساز کاهش مهاجرت‌فرستی و جذب جمعیت به این استان را فراهم آورد.

منابع

- 0 ارشاد، فرهنگ (۱۳۸۰). مبانی نظری فرار مغزها برحسب شکل‌های مختلف آن در شرایط کنونی. *نامه/انجمن جامعه‌شناسی*، شماره ۵: ۴۶-۶۰.
- 0 ارشاد، فرهنگ و داود آقایی (۱۳۸۱). تصویری از مهاجرت در استان خوزستان در دهه‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵ و موضوع مهاجرت بازگشتی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، شماره ۱: ۷۹-۸۹.
- 0 ارشاد، فرهنگ و عزیز حزابوی (۱۳۸۴). بررسی برخی انگیزه‌های تمایل به برون کوچی از شهر اهواز. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۲: ۱۲۰ - ۱۰۷.
- 0 اسکلدون، رونالد (۱۳۸۰). مهاجرت روستاییان به شهر و اثرات آن در کاهش فقر روستایی. ترجمه: حمیدرضا وجدانی. *فصل‌نامه جمعیت*، شماره‌های ۳۷ و ۳۸: ۱۳۰-۱۱۲.
- 0 اوبرای، آ. اس (۱۳۷۰). مهاجرت، شهرنشینی و توسعه. ترجمه: فرهنگ ارشاد. تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- 0 تودارو، مایکل (۱۳۶۶). *توسعه اقتصادی در جهان سوم*. ترجمه: غلامعلی فرجادی. تهران: سازمان برنامه‌وبودجه استان تهران.
- 0 تودارو، مایکل (۱۳۶۷). *مهاجرت‌های داخلی در کشورهای درحال توسعه*، ترجمه: مصطفی سرمدی و پروین رئیسی فرد. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- 0 حاجی حسینی، حسین (۱۳۸۴). *بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت خارج از استان در بین افراد تحصیل کرده ادارات دولتی شهر اهواز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرکز آموزش مدیریت دولتی استان خوزستان.
- 0 حسینی، حسن (۱۳۸۱). *اثر مهاجرت بر ساختار اجتماعی و فرهنگی شهر رشت با تأکید بر علل و رضایت‌مندی مهاجرین*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.
- 0 حزابوی، عزیز (۱۳۸۶). *بررسی پدیده مهاجرت جوانان از شهر اهواز*. معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی خوزستان (گزارش منتشر نشده).
- 0 زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۷۱). *جمعیت و شهرنشینی در ایران*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- 0 سروش، مریم (۱۳۸۲). *بررسی تطبیقی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی جوانی*. معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی فارس.
- 0 طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۱). *بازشناسی عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا-شهری با تأکید بر مهاجرت جوانان روستایی استان قزوین*. *نشریه مدرس علوم انسانی*، دوره ۶، شماره ۲: ۴۱-۶۱.
- 0 عباسی شوازی، محمد جلال؛ صادقی، رسول؛ حسینی چاوشی، میمنت؛ ترابی، فاطمه؛ ترکاشوند، محمد و سراج محمودیانی گیلانی (۱۳۹۲). *بررسی وضعیت جمعیتی و اقتصادی اجتماعی جوانان در ایران*. صندوق جمعیت سازمان ملل با همکاری پژوهشکده‌ی آمار و دانشکده علوم اجتماعی.

- 0 غفاری، رامین؛ ترکی هرچگانی، معصومه (۱۳۸۹). تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت جوانان روستایی به شهر (مورد پژوهی: روستای صادق آباد از توابع بخش سامان در استان چهارمحال و بختیاری). *مجله مسکن و محیط روستا*، شماره ۱۳۲، ۱۰۲-۹۱.
- 0 قاسمی سیانی، محمد (۱۳۸۸). پیامدهای مهاجرت روستا-شهری نسل جوان روستایی. *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، شماره دوم: ۱۶۵-۱۴۵.
- 0 کوششی، مجید (۱۳۸۳). نقش جوانان در جریان‌های مهاجرتی و عرضه نیروی کار استان تهران، دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران در مجموعه مقالات *بررسی مسائل جمعیتی ایران با تأکید بر جوانان*. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- 0 لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). *نظریات مهاجرت*. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- 0 محمودیان، حسین؛ قاسمی اردهایی، علی (۱۳۹۲). *بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران*. صندوق جمعیت سازمان ملل با همکاری پژوهشکده‌ی آمار و دانشکده علوم اجتماعی.
- 0 ممبئی، ایمان؛ قاسمی اردهایی، علی (۱۳۹۰). عوامل مؤثر در گرایش به مهاجرت اساتید دانشگاه‌های اهواز به خارج از استان خوزستان. *مجله جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره دوازدهم، شماره ۴، ۱۲۵-۱۰۹.
- 0 هاشمی، سید محمد (۱۳۷۵). *تحلیل آماری مهاجرت در استان خوزستان*. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خوزستان.
- 0 Adewale, J. G. (2005). Socio-economic factors associated with urban-rural migration in Nigeria: A case study of Oyo State, Nigeria. *Journal of Human Ecology*, 17 :13-16.
- 0 Bhandari, P. (2004). Relative deprivation and migration in an agricultural setting of Nepal. *Population and Environment*, 25(5) :475-499.
- 0 Bollman, R.; Bryden, J. (1997). *Rural employment: An international perspective*. London : Publishing.
- 0 CLIGGETT, L. (2000). Social components of migration :experiences from Southern Province .Zambia. *Human Organization* :125-135.
- 0 Crow, H. (2010). *Factors influencing rural migration decisions in Scotland: an analysis of the evidence*. Scottish Government Social Research.
- 0 Dasgopta, B. (1993). Public housing and migration: A multi-level modeling approach. *Int. J. Popul. Geo*, 3.
- 0 Davis, J. A. (1959). A formal interpretation of the theory of relative deprivation. *Sociometry*, 22(4) :280-296.
- 0 De Jong, G. F.; Gardner, R. W. (2013). *Migration decision making: multidisciplinary approaches to microlevel studies in developed and developing countries*. Elsevier
- 0 Epstein, G. S., & Gang, I. N. (2010). Chapter 1 migration and culture. *Migration and culture*, 1-21.

- 0 Fan, C. C. (2005). Modeling interprovincial migration in China, 1985-2000. *Eurasian Geography and Economics*, 46(3): 165-184.
- 0 Franklin, R. S. (2003). *Migration of the young, single, and college educated: 1995 to 2000*. US Census Bureau, Census.
- 0 Massey, D. S.; Arango, J.; Hugo, G.; Kouaouci, A.; Pellegrino, A.; Taylor, J. E. (1993). Theories of international migration: A review and appraisal. *Population and development review*, 19(3): 431-466.
- 0 Mendola, M. (2008). Migration and technological change in rural households: Complements or substitutes?. *Journal of Development Economics*, 85(1-2): 150-175.
- 0 Parnwell, M. (2006). *Population movements and the Third World*. Simultaneously published in usa and Canada by Routledge.
- 0 Stark, O. (1984). Rural-to-urban migration in LDCs: a relative deprivation approach. *Economic Development and Cultural Change*, 32(3): 475-486.
- 0 Stark, O.; Bloom, D. E. (1985). The new economics of labor migration. *The american Economic review*, 75(2): 173-178.

